

پرسش ۱۴۴: خلق شدن بهشت از نور حسین (ع)

السؤال / ۱۴۴: خلقت الجنة من نور الحسين (ع)، وإنّ الإمام الحسين (ع) يسعى للدخول إلى الجنة، فكيف يدخل الكل (الحسين (ع)) في الجزء (وهي الجنة)؟

بهشت از نور حسین (ع) خلق شد و امام حسین (ع) تلاش می کند تا به آن وارد شود؛ چگونه کل (امام حسین) وارد جزء (بهشت) می شود؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

هذا السؤال خاطئ؛ لأنه لا يعني خلق الجنة من نور الحسين (ع) أنّ الجنة جزء من الحسين (ع).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين.

این سؤال اساساً اشتباه است؛ زیرا اینکه بهشت از نور حسین (ع) خلق شده است دلیل بر این نیست که بهشت جزئی از امام حسین (ع) باشد.

فمحمد(ص) خلق من نور الله سبحانه وتعالى، فبمقتضى تفكير من سأل هذا السؤال: هل يكون محمد(ص) جزءاً من الله سبحانه وتعالى؟! ([581]).

محمد(ص) از نور خداوند سبحان و متعال آفریده شده است، حال طبق نظر سؤال کننده، آیا محمد(ص) جزئی از خداوند سبحان و متعال می باشد؟! ([582]).

والحسين (ع) يدخل الجنّات الجسمانية (في الأولى) والجنّات المثالية الملكوتية، أمّا في عالم النور (السماء السابعة العقلية الكلية) فالحسين (ع) هو الجنّة. راجع المتشابهات: ۱، ۲، ۳، ۴، وأسأل الله أن تتوضح لك الصورة أكثر.

السيد أحمد الحسن - وصي ورسول الإمام المهدي (ع)

حسين (ع) وارد بهشت جسماني (در آسمان اول) و بهشت‌های مثالی ملکوتی می‌شود، اما در عالم نور (آسمان هفتم عقل کلی)، امام حسین (ع)، همان بهشت است. به کتاب متشابهات جلد ۱، ۲، ۳ و ۴ مراجعه کنید. از خداوند مسئلت دارم که موضوع برای شما روشن‌تر گردد.

سید احمد الحسن - وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع)



[581] - هذا السؤال ناتج من قصر النظر على قوانين المادة (الأجسام)، وتوهم أن قوانين الجزئية والكلية في عالم الملك هي نفسها تماماً في عالم الملكوت والعقل والجبروت واللاهوت، وهذا وهم؛ لأن لكل عالم قوانين خاصة به، فعالم الملك هو عالم الأجسام والماديات الكثيفة، وعالم الملكوت هو علم المثاليات واللطافة، وعالم العقل هو عالم النور والحقيقة بلا جسمية ولا مثالية، بل حقائق وأنوار متداخلة بعضها في بعض فلا تحيز لبعضها عن الآخر.

فمثلاً جبرائيل (ع) في عالم الملكوت جسده ملكوتي لطيف، ولكن إذا أراد أن يظهر في عالم الدنيا المادي يأتي على شكل دحية الكلبي أحد أصحاب رسول الله (ص) أو على شكل طير ... الخ، وعندما يرجع إلى الملكوت يرجع إلى جسمه الملكوتي؛ لأنه لا وجود للماديات في عالم الملكوت، ولكل عالم قوانينه الخاصة به. فقد روي أن الله تعالى خلق السماوات والأرض من نور محمد (ص) وعلي (ع) وفاطمة والحسن والحسين (ع)،

عن الرسول محمد (ص)، أنه قال: (... فلما أراد الله تعالى أن ينشئ خلقه فتق نوري فخلق منه العرش فالعرش من نوري، ونوري من نور الله، ونوري أفضل من العرش، ثم فتق نور أخي علي فخلق منه الملائكة، فالملائكة من نور علي، ونور علي من نور الله، وعلي أفضل من الملائكة، ثم فتق نور ابنتي فخلق منه السماوات والأرض فالسماوات والأرض من نور ابنتي فاطمة، ونور ابنتي فاطمة من نور الله، وابنتي فاطمة أفضل من السماوات والأرض، ثم فتق نور ولدي الحسن فخلق منه الشمس والقمر، فالشمس والقمر من نور ولدي الحسن، ونور الحسن من نور الله، والحسن أفضل من الشمس والقمر، ثم فتق نور ولدي الحسين فخلق منه الجنة والحدور العين، فالجنة والحدور العين من نور ولدي الحسين، ونور ولدي الحسين من نور الله، وولدي الحسين أفضل من الجنة والحدور العين ...) بحار الأنوار: ج 51 ص 10.

فإن الله خلق السماوات والأرض من نور فاطمة (ع) فعلى فرض السؤال أن لا يمكن لفاطمة (ع) أن تدخل السماوات والأرض؛ لأن السماوات والأرض جزء من نور فاطمة (ع)!!!

والواقع أنها عاشت على الأرض وماتت ودفنت فيها، إذن فالسؤال خاطئ من أساسه، لتوهم أن قوانين عالم المادة هي نفسها قوانين العوالم العلوية.

بل حتی فی قوانین عالم ماده ممکن للجزء أن یحتوی الکل من جهات معینة، فالمرأة أو عدسة العین أو الكامیرا جزء صغیر جداً لا یکاد یذکر من هذا العالم، ولكن بإمكان المرأة أو العین أو الكامیرا أن تحتوی العالم بأسره من حیث الصورة، فسبحان من لا یُسأل عما یفعل وهم یُسألون. (المعلق).

[582] - این سؤال نتیجه‌ی محدود کردن دید و نظر به قوانین ماده (اجسام) می‌باشد و این توهم که قوانین جزئی و کلی در عالم مُلک همان قوانین موجود در عالم ملکوت، عقل، جبروت و لاهوت است؛ که این، توهمی بیش نیست؛ چرا که هر عالمی قوانین خاص به خود را دارد: عالم ملک، عالم اجسام و مواد متراکم است، عالم ملکوت عالم مثال‌ها و لطافت می‌باشد و عالم عقل، عالم نور و حقیقت بدون هیچ جسم و مثالی است، بلکه آنجا برخی حقایق در برخی دیگر در هم تنیده‌اند و یکی از دیگری جدا نیست.

به عنوان مثال جبرئیل (ع) در عالم ملکوت، جسدی لطیف و ملکوتی دارد، ولی اگر بخواهد در عالم مادی دنیا ظاهر شود به شکل دحیه‌ی کلبی که یکی از صحابه‌ی رسول خدا (ص) است و یا به شکل پرنده و یا چیز دیگر می‌آید و هنگامی که به عالم ملکوت برمی‌گردد به جسم ملکوتی خود بازمی‌گردد؛ چرا که در ملکوت، جایی برای مادیات وجود ندارد و قوانین هر عالمی، خاص خودش است.

همان طور که در روایات آمده است خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را از نور محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین (ع) خلق نمود.

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «.....وقتی خداوند متعال اراده فرمود تا خلقش را ایجاد کند نور مرا شکافت و از آن، عرش را آفرید؛ پس عرش از نور من و نور من از نور خداوند است و نور من برتر از عرش است. سپس نور برادرم علی را گشود و ملائکه را از آن خلق کرد؛ پس ملائکه از نور علی و نور علی از نور خدا است و علی از ملائکه برتر می‌باشد. سپس نور دخترم را گشود و از آن، آسمان‌ها و زمین را خلق کرد؛ پس آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه و نور فاطمه از نور خدا است و فاطمه از آسمان‌ها و زمین برتر است. سپس نور فرزندم حسن را گشود و از آن خورشید و ماه را آفرید؛ پس خورشید و ماه از نور حسن و نور حسن از نور خدا است و حسن از خورشید و ماه برتر است. سپس نور فرزندم حسین را گشود و از آن بهشت و حور العین را آفرید؛ پس بهشت و حور العین از نور حسین و نور حسین از نور خدا است و حسین از بهشت و حور العین برتر است.....». بحار الانوار: ج 51 ص 10.

خداوند آسمان‌ها و زمین را از نور فاطمه خلق کرده است؛ پس طبق فرض سوال حضرت فاطمه (ع) نمی‌تواند وارد آسمان‌ها و زمین شود چرا که آسمان‌ها و زمین جزئی از ایشان (ع) می‌باشند!!!
اما در عالم واقع، فاطمه (ع) روی زمین زندگی کرد و فوت نمود و در آن دفن شد. بنابراین، سوال از پایه و اساس اشتباه است چرا که از این توهم ناشی شده که قوانین عالم ماده همان قوانین عوالم بالایی است.
حتی طبق قوانین عالم ماده نیز جزء می‌تواند از جهاتی کل را دربرگیرد؛ آینه یا عدسی چشم یا دوربین جزئی بسیار کوچک است که در مقابل این عالم چیزی محسوب نمی‌شوند، اما این امکان وجود دارد که آینه یا چشم یا دوربین تصویر عالم را دربرگیرد. پس منزه است آن کسی که از آنچه می‌کند پرسیده نمی‌شود در حالی که خوشان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.